

تحلیل گزیده‌ای از اشعار اخلاقی-سیاسی فیلیس ویتلی بر پایه نظریه «استدلال» تولمین

ویدا سبزواری بیدختی، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار، سبزوار، ایران
سعید روزبهرانی، استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار، سبزوار، ایران (نویسنده مسئول)
ابوالقاسم امیراحمدیریال استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار، سبزوار، ایران

صص: ۱۶۵-۱۳۷

چکیده

نظریه استدلال یا استدلال‌ورزی، مطالعه‌ای بینارشته‌ای است که می‌توان از طریق آن و با استنتاج منطقی، به نتیجه خاصی رسید. استنتاج منطقی بدین معنا است که ادعاهایی، چه صحیح چه غلط، مبتنی بر مقدماتی مطرح می‌شود. این فرایند در علوم انسانی، مناظره‌های مدنی، مباحثه و گفتگو کاربرد داشته و هدف از آن غالباً اقناع مخاطب و دفاع از اعتقادات و یا منافع طرفین است. یکی از نظریه‌های معروف، نظریه استدلال تولمین است که دارای شش مؤلفه دعا، داده‌ها، برهان، پشتوانه برهان، ردیه یا نقیض برهان و شاخص‌های قطعی کلام می‌باشد که سه مورد اول حضور قطعی و مابقی، اختیاری‌اند. این پژوهش تحلیلی - توصیفی که بر محور نظریه ادبی می‌باشد، با هدف تحلیل و واکاوی چند قطعه برگزیده از اشعار (مجموعه‌های دعاوی و توصیه‌های) سیاسی، اخلاقی و اعتقادی فیلیس ویتلی، شاعر آفریقایی - آمریکایی (۱۷۷۳) از سه جنبه الف) شناسایی برهان‌ها، ب) شناسایی دعاوی و زمینه آنها و ج) لحن و قطعیت کلام به انجام رسیده است. نتایج حاصل از این بحث، مشخص می‌کند که دعاوی و توصیه‌های ویتلی با زبانی ساده و به دور از تصنع و تکلف ادبی بازنویسی شده و نسبت به تعداد قطعات، دارای تنوع بسیار زیادی هستند. دعاوی مذکور، نشان از آن دارد که ویتلی در زمره وظیفه‌گرایان قاعده‌نگر که گرایش از هنجارشناسان اخلاق هستند، می‌باشد. در نمونه اشعار بررسی شده، برهان‌های متعددی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۶

- پست الکترونیکی: ۱. vidaasabzevari@gmail.com ۲. roozbahani@iaus.ac.ir
۳. amiaahmadi@iaus.ac.ir

شناسایی شده غالباً از نوع عقلی بوده و به صورت تلویحی و ضمنی مورد اشاره قرار گرفته‌اند. هرچند ویتلی، در بیان توصیه‌های خود به افراد صاحب‌مسند و عالی‌رتبه، از ساخت‌های محافظه‌کارانه دعایی، تعجبی، مبالغه و سؤال خطابی بهره می‌برد، ولی، غالباً ترجیح می‌داده از ساختار قاطع خبری استفاده کند که ذاتاً نیازی به تقویت‌کننده ندارد. در مجموع، ویتلی در اشعار منتخب، لحن قاطع، باطمینان و باثباتی دارد.

کلیدواژه‌ها: نظری استدلال ورزی، ویتلی، تولمین، برهان.

۱. مقدمه

نظریه استدلال یا استدلال‌ورزی^۱، مطالعه‌ای بین رشته‌ای است در این باب که چگونه می‌توان از طریق استنتاج منطقی به نتیجه خاصی رسید؛ استنتاج منطقی بدین معنا است که ادعاهایی، چه صحیح چه غلط، مبتنی بر مقدمه‌هایی مطرح شود. این فرایند در علوم انسانی، مناظره‌های مدنی، مباحثه و گفتگو کاربرد داشته و هدف از آن غالباً اقناع مخاطب و دفاع از اعتقادات و یا منافع طرفین است.

استدلال یا گواه‌آوری، ترکیب قانون‌مند قضیه(های) معلوم برای رسیدن به قضیه(های) نو است. در این فرایند، ذهن بین چند قضیه، ارتباط برقرار می‌کند تا از پیوند آن‌ها، نتیجه زاده شود و به این ترتیب نسبتی مشکوک و مبهم به نسبتی یقینی تبدیل شود؛ به عبارتی دیگر، به جمع تصدیقات^۲ برای اثبات تصدیقی دیگر استدلال گفته می‌شود (عالمی، ۱۳۸۹: ۸).

در دیدگاه سنتی، هر استدلال از یک یا چند فرض (مقدمه)، روشی منطقی برای استدلال و استنتاج، و تنها یک نتیجه (ادعا) تشکیل می‌شود. در واقع، در استدلال‌ورزی، از فرض‌ها یا مقدمه به عنوان گزاره‌های معلوم و حقیقی استفاده می‌شود تا گزاره‌ای نو رخ بنماید. در نتیجه این فرایند، به ویژه اگر در حیطه‌ی اخلاق و مذهب صورت گیرد، ممکن است اندیشه‌ها، عقاید، و جهان‌بینی مخاطب چنان تحت تأثیر قرار گیرد که وی بیش از پیش به آنها پایبند شود، در جهت اصلاح آنها قدم بردارد و یا از آنها رو برتابد.

^۱. Argumentation Theory

^۲ - به جملات خبری گفته می‌شود که بر سلب یا ایجاب مطلبی دیگر امر دارد. مانند: حیوه فلز است. انسان حیوان نیست.

در همین راستا، ارسطو، فیلسوفِ فاضلِ یونان باستان، برهان‌ها، مستندات و شواهد قابلِ استناد در اقناع مخاطب را در دو دسته جای داده‌است: الف) استفاده از «گواه غیرهنری»^۱ مانند شهادت شاهدان یا مستندات موجود؛ و ب) «گواه هنری»^۲ یا مجموعه‌ی استدلال‌ها، قیاس‌ها، استنتاج‌ها، استقراءها و مثال‌هایی که خطیب آنها را فراهم آورده‌است؛ این فیلسوف برای اقناعی‌تر کردنِ برهان‌های گروه «ب» که وی آن را هسته‌ی مرکزی استدلال در فن خطابه می‌داند، انجام سه راه‌کار را پیشنهاد می‌کند: ۱) ایجاد اعتبار یا توسل به برداشت مخاطبان از شخصیت و نفوذ خطیب؛ ۲) ایجاد هیجان یا توسل به احساسات مخاطبان؛ و ۳) اقناع عقلی یا توسل به قوای عقلانی مخاطبان (ریچاردز، ۲۰۰۸: ۴۱-۵۳؛ کندی، ۱۹۶۳: ۸۷-۱۰۲).

می‌توان سه ویژگی یعنی ایجاد اعتبار، ایجاد هیجان، و اقناع عقلی را هم‌زمان برای برخی از آثار ادبی بویژه «شعر» با شاعری پرآوازه متصور دانست. شاعران، با نگاه خاص خویش به انسان، جامعه، روابط انسانی، زندگی، بایدها و نبایدهای فرهنگی و اجتماعی می‌نگرند و آمال و آرزوهای خود را با گونه‌ی ادبی زبان به‌تصویر می‌کشند و از این رهگذر در مخاطب اثری ژرف می‌گذارند. مقاله حاضر باهدف بررسی نظریه‌ی تولمین در اشعار منتخب فیلیس ویتلی، براساس روش تحلیلی - توصیفی صورت‌گرفته است و سعی شده به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

- ویتلی در قالب اشعار سیاسی/اجتماعی منتخب چه ادعاها و یا توصیه‌هایی مطرح کرده است؟

- این شاعر از چه برهان‌ها و پشتوانه‌هایی - اعم از عقلی، نقلی و قانونی - برای اقناع مخاطب و تأیید دعاوی خود استفاده کرده‌است؟

- شاخص‌های قطعیت به کاررفته در داده‌ها، دعاوی و برهان‌ها کدام اند و تأثیرهای ممکن و محتمل آنها بر لحن و کلام ویتلی چیست؟

۲. چارچوب نظری پژوهش

نظریه‌ی استدلال‌ورزی استفن ای. تولمین^۳ (۱۹۲۲-۲۰۰۹ م) فیلسوف بریتانیایی، که به زعم خود او در ابتدا برای تقویت دعاوی و دفاعیه‌ها در دادگاه طرح شده بود، به حوزه‌های زبان-

۱. Inartistic proof

۲. artistic proof

۳ Stephen E. Toulmin

شناختی تحلیل خطابه، تحلیل گفتمان و مطالعات تطبیقی نیز بسط داده شده‌است. این نظریه که ابتدا در کتاب «کاربردهای استدلال» معرفی شده، نه تنها از ناخشنودی او از مطلق‌گرایی - به عنوان دیدگاه معرفت‌شناختی بنیادگرایان هم‌عصر با او - سرچشمه می‌گیرد، بلکه، هم‌زمان از تعارض افکار او با بینش نسبی‌گرایی زاده شده‌است. وی، رویکرد نوینی را به عنوان سومین گزینه؛ یعنی نه مطلق‌گرا و نه نسبی‌گرا، در تبیین و ملاحظهٔ چنین مسائلی معرفی کرد که دلیل^۱ را به‌عنوان مفهومی مرکزی در نظر می‌گیرد که با لحاظ آن، استنتاج^۲ را می‌توان درک کرد.

تولمین، برای این که دیدگاه خود را دربارهٔ زندگی روزمره و رد مطلق‌گرایی، البته بدون باور به نسبی‌گرایی، تبیین کند مفهوم زمینه‌های استدلال را معرفی کرده‌است. وی بر این باور است که برخی از مؤلفه‌های استدلال از هر رشته (درسی، فکری، علمی، و ...) به رشته‌ای دیگر، از هر زمینه به زمینه‌ای دیگر و یا از هر حوزه به حوزه‌ای دیگر متفاوت است. برخی از باورها، مفروضات، و مقدماتی که استدلال‌ها بر مبنای آنها شکل می‌گیرند، مطلق و یا جهان-شمول هستند و برخی دیگر نسبی. به عنوان مثال، مبانی استدلال‌هایی که در زمینه‌های ریاضیات و فرهنگ صورت می‌گیرند، غالباً از این نظر با هم متفاوت‌اند که در اولی، جهان-شمول (زمینه‌مستقل) اند و در دومی نسبی (زمینه‌وابسته). از همین رو، تولمین در طول کار خود برای ارائه راه‌حلی برای مشکلات مطلق‌گرایی و نسبی‌گرایی تلاش می‌کند تا استانداردهایی را برای ارزیابی ارزش ایده‌ها بسط دهد که نه مطلق و نه نسبی‌گرایانه‌اند.

وی، بر این باور است که هر استدلال موجه، قانع‌کننده و مقاوم در برابر انتقاد سه مؤلفهٔ اصلی با حضور اجباری (سه مورد اول) و سه مؤلفهٔ فرعی با حضور احتمالی دارد. مؤلفه‌های مزبور عبارت‌اند از:

الف) ادعا^۳: نتیجه‌ها یا توصیه‌هایی که روایی و اعتبار آنها در بحث باید تایید شود.

ب) داده‌ها^۴: شواهد و حقایقی که به‌عنوان پایه‌ها و اساس هر بحث و ادعایی به آنها استناد

می‌شود.

^۱. argument

^۲. reasoning

^۳. claim

^۴.data

ج) برهان^۱: مفروضاتی که داده‌ها را به‌لحاظ منطقی به‌ادعا گره می‌زنند. احکام و گزاره‌های عقلی، نقلی، قانونی، و یا تجربی را می‌توان به‌عنوان برهان و مستندات ادعا تلقی کرد.

د) پشتوانه برهان^۲: حقایق و برهان‌های دیگری که درحمایت از برهان اصلی بیان می‌شود و یا گزاره‌های معتبری که برهان به‌واسطه آنها قدرت اقناعی بیشتری می‌یابد.

ه) ردیه یا (نقیض)^۳: داده‌هایی هستند که به‌سبب آن برهان اصلی تضعیف شده و ادعا رد می‌شود. به‌نظر نگارندگان، اگر یک ماده قانون در یک مباحثه برهان محسوب شود، تبصره‌هایی که آن ماده را مشروط می‌کنند، ممکن است از این دست باشند.

و) شاخص‌های اطمینان^۴: اینها واژه‌ها یا عباراتی در کلام گوینده هستند که میزان درجه اطمینان، اعتماد، یا تضمین او نسبت به‌دعای مطرح را نشان می‌دهند. چنین کلمات یا عبارات، عبارتند از: «حتماً»، «احتمالاً»، «غیرممکن»، «قطعاً»، «شاید»، «تا آنجا که به‌شواهد دسترسی داریم»، «لزوماً» و نظیر این‌ها.

فیلیس ویتلی (تولد ۱۷۵۳ – مرگ ۱۷۸۴ میلادی)، نخستین شاعر سیاه‌پوس آمریکایی و یا به قول گیتس اولین شاعر زن آفریقایی - آمریکایی است که اشعارش منتشر شده‌اش، او را به مشهورترین آفریقایی روی زمین بدل نموده‌است (گیتس، ۲۰۱۰: ۳۳). در قرن هجدهم، فیلیس را در کودکی از موطن خود، غرب آفریقا، ربوده و در آمریکا به‌عنوان برده فروخته‌اند. تبحر ویتلی در سرودن شعر به زبان غیرمادری‌اش، انگلیسی، به حدی شده که شخصیت‌هایی چون جورج واشنگتن رئیس جمهور وقت آمریکا کار او را ستایش کرده‌اند (میهان و بل، ۲۰۱۷).

شیلدز (۱۹۸۰) بر این باور است که بهره‌برداری ویتلی از کلاسیسیسم، کار او را منحصر به - فرد و اصیل، و از این رو، از سایر معاصرانش متمایز کرده‌است (ص ۹۸). وی، معتقد است اشعار ویتلی قبل از آنکه باشکوه و درخشان باشند، اندیشمندانه و بازتابنده‌اند. (ص ۱۰۰). شهرت ویتلی از انتشار مجموعه ۳۹ قطعه‌ای از اشعار کوتاه و بلند این زن سیاه‌چهره در مجلدی با عنوان شعرهایی با موضوعات مختلف، مذهبی و اخلاقی در سال ۱۷۷۳ میلادی سرچشمه گرفته‌است.

^۱. warrant

^۲. backing

^۳. rebuttal

^۴. qualifiers

برای تحلیل متون استدلالی در زمینه‌های مختلف در چارچوب نظریه استدلال تولمین از سوی مزینانی و نصیری (۱۳۹۸) مدلی تدوین و پیشنهاد شده است؛ این دو روش تحقیق پیشنهادی خود را بر مبنای شناسایی مؤلفه‌های شش‌گانه‌ی مدل تولمین در متن منتخب، تدوین و مناظر با این مؤلفه‌ها نیز پنج سؤال پژوهشی متن‌کاوانه مشابه با سؤالات این مقاله طراحی کرده‌اند (در این مدل، برهان اصلی و برهان پشتیبان در یک سؤال جمع شده است). این دو پژوهش‌گر، در مدل پیشنهادی خود رابطه بین مؤلفه‌های استدلال تولمینی را با نمودار زیر بازنمایانده‌اند. نکته قابل توجه در این نمودار رابطه شاخص‌های قطعیت با چهار مؤلفه برهان، پشتیبان، ادعا و ردیه است به نحوی که این عناصر در دل مؤلفه‌های مذکور جای می‌گیرند.

با این اوصاف، پاسخ به سؤالات پژوهشی این مقاله مستلزم تفکیک ابیات هر شعر منتخب به مؤلفه‌های استدلالی در چارچوب فوق است؛ لذا، برای آشنایی هرچه بیشتر خواننده این پژوهش با شیوه تحلیل و توصیف نگارندگان، متن زیر را به عنوان نمونه و به نحوی که هر شش مؤلفه تولمینی را دارا باشد طراحی نموده‌اند:

«من در اراک متولد و بزرگ شده‌ام [داده]، و بی‌شک شاخص ایرانی هستم [ادعا]، زیرا اراک در محدوده مرزهای سیاسی ایران است [برهان]. هر کس شاخص در محدوده مرزهای سیاسی یک کشور متولد شود قانوناً شاخص تابع آن کشور محسوب می‌شود [پشتوانه]. البته، گمان می‌کنم شاخص اگر کسی به علت جاسوسی و یا خیانت به کشور مجرم شناخته شود تابعیت او لغو می‌گردد [ردیه]».

در این متن محقق ساخته، مؤلفه‌های استدلالی به تفکیک نشان داده است. در چارچوب مدل تولمین، نویسنده متن فوق پس از ارائه داده‌ها یا اطلاعاتی درباره محل تولد و بزرگ شدن خود، این ادعا را طرح کرده که ایرانی است. وی پس از طرح ادعای خود و برای اثبات آن از یک برهان عقلی و پشتیبان قانونی آن بهره می‌گیرد. از طرفی، او، ضمن طرح ادعای خود، با شاخص‌های قطعیت «بی‌شک» و «هر» بر صحت و صدق ادعای ایرانی بودن و برهان قانونی خود تأکید می‌نماید، اما، با شاخص «گمان می‌کنم» درباره صحت اطلاعاتی که به عنوان استثنا یا ردیه مطرح کرده ابراز تردید کرده است.

در این چارچوب، تمامی انتقادات، پیشنهادها، توصیه‌ها، جملات امری و نتایج مطرح در این پژوهش عنوان «ادعا» به خود می‌گیرند. با وجود این، باید آگاه باشیم که در زبان روزمره،

برخی از ادعاها و توصیه‌ها در قالب جملات تعجبی و سؤال‌های خطابی طرح می‌شوند. بنابراین، «گاهی اوقات باید به ورای صورت‌های لفظی جملات نگاه کنیم. اگر منظور واقعی از آنچه گفته شده، بیان یک ادعا است باید آن را بخشی از یک استدلال تلقی کرد» (کانوی و مانسون، ۱۳۹۱: ۲۷-۲۸).

اما، شناسایی برهان‌ها، به‌ویژه برهان‌های عقلی، کار چندان ساده‌ای نیست؛ از این رو، به مطالعات پیشین رجوع کرده و تعریف آنها را معیار و ملاک تصمیم‌گیری قرار می‌دهیم. ووداک مُبدع و طراح اصلی رویکرد گفتمانی - تاریخی، در باب شناخت برهان‌های عقلی می‌نویسد «این اشارات و مواضع عقلی قابل استنتاج را - که با عنوان طرح‌واره‌های استدلالی نیز از آنها یاد می‌شود - می‌توان به‌عنوان بخشی از استدلالاتی توصیف کرد که گوینده در دفاع از ادعاهای خود مطرح می‌کند» (ووداک، ۲۰۰۱: ۷۴). در خصوص شناسایی آنها در متن نیز ریزیل و ووداک (۲۰۰۹: ۱۰۲) می‌نویسند که مواضع عقلی لزوماً با صراحت بیان نمی‌شوند، اما اگر به‌صورت جمله‌های شرطی یا علت و معلولی اگر (الف) پس (ب) و وجود (الف) به‌علت (ب) به‌صورت صریح‌تر ادا شده باشند، راحت‌تر می‌توان آنها را شناسایی کرد.

ووداک ضمن تحلیل گفتمان‌های تبعیض‌آمیز، پانزده موضع عقلی غالباً با تعریف کلی زیر را شناسایی کرده است: اگر موضع عقلی X یک کنش، رفتار، گفتار، و یا اقدامی خاص را تأیید کند، پس باید آن را انجام داد. در غیر این صورت انجام آن نهی می‌شود. مواضع عقلی موردنظر عبارتند از:

(۱) مزیت یا سودمندی، (۲) بی‌فایده‌گی و ضرر، (۳) تعریف؛ (۴) [پیش‌گیری از] خطر یا تهدید، (۵) انسان دوستی، (۶) عدالت، (۷) مسئولیت و پاسخ‌گویی، (۸) [رفع] فشار و سنگینی، (۹) [صرف بهینه] امکانات مالی و پول، (۱۰) واقعیت، (۱۱) [استناد به] اعداد و ارقام، (۱۲) قانون و حق‌مداری، (۱۳) تاریخ [تجربه]، (۱۴) فرهنگ [و عرف]، (۱۵) [مقابله با] سوءاستفاده (ووداک، ۲۰۰۱ ب: ۷۴ - ۷۶).

مزینانی (۱۳۹۶) نیز از میان نمونه‌های گردآوری شده از کلام امام علی(ع) در نهج البلاغه، در مجموع ۲۲ موضع عقلی را شناسایی و تعریف کرده است. از این ۲۲ موضع، ۸ مورد با فهرست ووداک مشترک‌اند که از ذکرشان خودداری می‌گردد، اما ۱۴ مورد زیر بدیع هستند:

(۱) بازدهی و بهره‌وری، (۲) عذر مقبول، (۳) اتمام حجت، (۴) افراط و تفریط ممنوع، (۵) طرد امیال و هواهای نفسانی، (۶) دین گروهی، (۷) اولویت و ضرورت، (۸) اجماع، (۹) استطاعت، (۱۰) وجوب/ فوریت زمانی، (۱۱) پیامد نیکو، (۱۲) توازن کار و دستمزد، (۱۳) انصاف از خود و (۱۴) صداقت (مزینانی، ۱۳۹۶: ۱۸۷).

مقاله حاضر باهدف بررسی نظریه تولمین در اشعار منتخب فیلس ویتلی، براساس روش تحلیلی - توصیفی صورت گرفته است و سعی شده به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

- ویتلی در قالب اشعار سیاسی/اجتماعی منتخب چه ادعاها ویا توصیه‌هایی مطرح کرده است؟

- این شاعر از چه برهان‌ها و پشتوانه‌هایی - اعم از عقلی، نقلی و قانونی - برای اقناع مخاطب و تأیید دعاوی خود استفاده کرده است؟

- شاخص‌های قطعیت به کاررفته در داده‌ها، دعاوی و برهان‌ها کدام اند و تأثیرهای ممکن و محتمل آنها بر لحن و کلام ویتلی چیست؟

۳. پیشینه پژوهش

روزبهنانی و دیگران (۱۳۹۸) با بررسی نمونه‌ای از مناظره‌های پروین اعتصامی در چارچوب مدل تولمین، از نظر نوع و زمینه دعاوی، برهان‌های زیربنایی و میزان قاطعیت در لحن شاعر سبک استدلالی وی را واکاوی نموده‌اند. مزینانی و نصیری (۱۳۹۸) در مقاله‌ی خود با عنوان «طرح روش تحقیق جهت کاربست نظریه‌ی تولمین در سبک شناسی، تحلیل گفتمان و زبان شناسی حقوقی»، به بررسی استدلال فوق در سه متن از ژانرهای مختلف: یک قطعه شعری، لویح دفاعی و گفتمان سیاسی پرداخته‌اند. عبدالهی و عمل صالح (۱۳۹۱) نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ساختار استدلال در سه متن دوره‌ی قاجار»، به بررسی ساختار استدلال در سه متن از نویسندگان مختلف دوره‌ی قاجار اشاره کرده‌اند. اسکویی (۱۳۹۴) هم در نوشته‌ی خود با عنوان «تأثیر فرهنگ بر شعر رسمی»، به بررسی نقش برجسته فرهنگ و ادبیات عامیانه در تحکیم بنیادهای معنایی و استدلالی ادبیات رسمی پرداخته‌است. باتوجه به پژوهش‌های فوق، می‌توان گفت تاکنون پژوهش مستقلی در مورد تحلیل نظریه تولمین در اشعار ویتلی، صورت نگرفته است.

۴. توصیف و تحلیل داده‌ها

الف) شعر «درباره‌ی آورده‌شدن از آفریقا به آمریکا»

فیلیس، پس از اقامت در منزل جدید، غالب آموزش‌های خود را از ماری ویتلی، دختر ارباب، دریافت کرد که برای زن و برده‌ای چون او در آن زمانه بسیار فوق‌العاده و بی‌سابقه بوده‌است. به گفته‌ی جان ویتلی، طی شانزده ماه، فیلیس آن‌قدر به زبان انگلیسی تسلط داشته که می‌توانسته است حتی «سخت‌ترین قسمت‌های نوشته‌های مقدس» را بخواند. زبان انگلیسی، ادبیات کلاسیک به ویژه شعر، جغرافیا، تاریخ، کتاب مقدس، تا حدودی لاتین و آموزه‌های مسیحیت، علمی بوده‌اند که به فیلیس آموزش داده می‌شد. در ۱۸ آگوست ۱۷۷۱، فیلیس به دست ساموئل کوپر در کلیسای جنوبی کهن غسل تعمید یافت (کارتا، ۲۰۰۱: ۱۴).

ویتلی اسارت خود را در قطعه‌ی زیر به تصویر می‌کشد. اما، این واقعه باعث نشده که وی خود را مغضوب خالق بداند یا این که سرنوشت خود را مختوم به بردگی ببیند؛ هرچند، وی با این باور مسیحیان آشنا شده‌بود که سیاهان از فرزندان و تبار قابیل، فرزند برادرکش حضرت آدم، پس، ملعون و از نفرین‌شدگان‌اند (مانی، ۲۰۱۵):

On being brought from Africa to America.

درباره‌ی آورده‌شدن از آفریقا به آمریکا

'Twas mercy brought me from my Pagan land,
Taught my benighted soul to understand

رحمت بود که مرا از موطن کفر (به اینجا) آورد، و به روح شب‌زده‌ام آموخت که بفهمد،

[ادعا متضمن داده]

That there's a God, that there's a Saviour too:
Once I redemption neither fought nor knew,

که خدا هست، که یک ناجی هم هست: زمانی نه دغدغه‌ی رستگاری داشتم و نه می‌شناختمش [داده متضمن برهان]

[داده متضمن برهان]

Some view our sable race with scornful eye,
"Their colour is a diabolic die."

برخی نژاد سیاه ما را به چشم تمسخر می‌نگرند [داده]، (و می‌گویند) «رنگ آنها بنایی
اهریمنی است» [ادعا]

Remember, Christians, Negroes, black as Cain,
May be refin'd, and join th' angelic train

بهوش! ای مسیحیان و آفریقایی‌ها، سیاه قابیل تبار، ممکن است شاخص تزکیه شود و به قطار
آمرزیدگان پیوندد. [ادعا] (ویتلی، ۱۷۷۳: ۷)

در مطلع این شعر، به نظر می‌رسد ویتلی با بینش کسانی که سیاهان را به بردگی می‌گرفتند،
چون آفریقا سرزمین جهل و کفر است موافق بوده و ترک آنجا برای او خوش آیند بوده است.
اما، وی در شعری با عنوان «خطاب به عالی‌جناب فرمان‌دار دارتموث» (نک. ویتلی، ۱۷۷۳: ۲۷)
از این که از پدر و مادر دور است و آنها به خاطر ربه‌شدنش غمگین اند ابراز ناراحتی کرده
است. از طرفی، شاعر به این که در موطن خود آزاد بوده، حال‌آنکه در آمریکا برده شده اشاره-
ای نکرده است. بنابراین، در این شعر پارادوکسی نهفته است با این مضمون که ویتلی در بردگی
و اسارت، - با شناخت خدا و تقرب به او - از جنبه‌ی روحی و معنوی آزاد شده است.

از آغاز مصرع دوم تا پایان مصرع چهارم، ویتلی با استدلالی آمیخته با داده‌هایی درخصوص
پیشینه‌اش توضیح می‌دهد که چرا این بردگی را خوش‌اقبالی می‌داند؛ او از روحی بی‌خبر از
خدا می‌گوید که چون شب سیاه و تاریک بوده است و گناه‌آلود، ولی اکنون با شناخت خدا و
مسیح زنده و روشن شده است. به دیگر سخن، او با «دارای روح» خواندن خود در زمان قبل از
گرویدن به مسیحیت، تلویحاً به کسانی که ملحدان و غیرمسیحیان را فاقد روح می‌دانستند نیز
می‌تازد. در این میانه، شاعر رنج‌هایی که در اسارت متحمل شده را در برابر یافتن رستگاری
هیچ می‌پندارد. با توجه به این مقدمه، در جدول زیر باورهای شاخص شاعر در قالب ادعا و
برهان مشخص و با زبانی رساتر ثبت شده است:

گرچه برخی ممکن است چهار مصرع اول این شعر را توجیه و یا تحسینی از جانب ویتلی
برای برده‌داری بیندارند، اما چهار مصرع بعدی به شکل غافل‌گیرکننده‌ای خلاف این امر را
ثابت می‌کند. از مصرع پنجم، شاعر به معلم اخلاق بدل می‌شود و نگرش خوانندگان نژادپرست
درباره‌ی سیاهان را به چالش کشیده و آنان را به تفکر وامی‌دارد و معنای حقیقی ایمان به خدا
را به آنها گوشزد می‌کند.

بعلاوه، او در مصرع ششم، در قالب این نقل قول " رنگ آنها بنایی اهریمنی است " باور برخی از مسیحیان مبنی بر ارتباط سیاه‌پوستان با امور شیطانی را به تمسخر گرفته و ناخشنودی خود را ابراز می‌کند (نک. مانی، ۲۰۱۵)؛ این باورهای نژادپرستانه در جدول ۳ به طور صریح-تری ثبت شده‌اند:

جدول ۲- دعاوی و برهان‌های مطرح از نظر شخص شاعر در شعر «درباره آورده شدن به آمریکا»

| مؤلفه | شرح و محتوای مؤلفه‌ها به زبان ساده | زمینه طرح |
|----------|---|---------------|
| دعاوی | ۱. فرصت شناخت و تقرب به خدا برای شاعر از رحمت الهی است. | خداشناسی |
| | ۲. امکان رستگاری، حتی برای سیاهان هم هست، حتی اگر بنا به باور شایع ملعون و نفرین شده باشند. | نفی نژادپرستی |
| برهان‌ها | ۱. برهان عقلی رستگاری: ایمان به خدا موجب رستگاری است. | عقیدتی |
| | ۲. برهان عقلی تاریخ: ویتلی سیاه‌پوست بوده و ایمان آورده است. | تجربی |

جدول ۳- دعاوی و برهان‌های مطرح از نظر نژادپرستان در شعر «درباره آورده شدن به آمریکا»

| مؤلفه | شرح و محتوای مؤلفه‌ها به زبان ساده | زمینه طرح |
|----------|--|-----------|
| دعاوی | ۱. سیاه‌پوستان فرزندان قابیل و نژادی نفرین‌شده و اهریمنی‌اند. | نژادپرستی |
| برهان‌ها | ۱. برهان عقلی وراثت: فرزندان ویژگی‌های اخلاقی خوب و بد را از پدران و مادران خود به ارث می‌برند (یا به باور برخی بارگناه آنها را نیز به دوش می‌کشند). | وراثت |

مانی رحمت تلقی‌شدن رویداد به بردگی گرفته‌شدن از سوی بعضی سیاهان مثل ویتلی را حاکی از این امر می‌داند که برده‌داران از ابزار مسیحیت به نحو مؤثری برای شستشوی مغزی بردگان در آن دوران استفاده کرده تا بدقابالی خود در بردگی و از آفریقا به آمریکا آورده شدن را بپذیرند (مانی، ۲۰۱۵). هرچند، ویتلی در پایان نیز این ادعا را مطرح می‌سازد که حتی اگر سیاه‌پوستان از تبار قابیل برادرکش باشند، باز هم امکان سوار شدن آنها بر قطار رستگار شدگان و آمرزیدگان وجود خواهد داشت.

به نظر می‌رسد این باورهای ویتلی به عنوان برده اظهار نظر مانی راجع به تأثیرپذیری بردگان از اربابان مسیحی‌شان را تأیید می‌کند؛ زیرا ادعای قابلیت رستگاری برای نفرین‌شدگان

و سیاهان نیز از همین مذهب سربرمی‌آورد (مانی، ۲۰۱۵). ناگفته نماند ویتلی برخلاف گرایش مذهبی خانواده ارباب از بین فرقه‌های مختلف مسیحیت به متودیسیم روی آورد که در آن زمان برداشتی نو از مسیحیت محسوب می‌شده است؛ از جمله باورهای متمایز این فرقه مشخص بودن راه راست و تضمین رستگاری برای همه‌ی بشریت حتی سیاهان و بردگان است.

ب) شعر «خطاب به عالی‌جناب استان‌دار دارتموث»

گرچه حدود یک سوم از سروده‌های ویتلی درباره مرگ و جهان پس از آن و مابقی نیز غالباً اخلاقی/مذهبی است، اما، وی اشعار سیاسی-اجتماعی نیز دارد؛ به عنوان مثال، «خطاب به فرمان‌دار دارتموث» از این دست بوده و در سال ۱۷۷۲ درباره‌ی آزادی از ظلم و استبداد سروده شده است.

شاعر، این شعر را خطاب به شخصی به نام ویلیام لیگ نوشته‌است که اخیراً به مقام فرمان‌داری دارتموث، در انگلستان، نایل گشته و ظاهراً کسی بوده‌است که آفریقایی‌تبارن را از ظلمی که حاکم پیشین انگلستان به آنها روا می‌داشته رها کرده‌است. این فرد قبل از آن نیز با تصویب لایحهٔ تمبر^۱ مخالفت کرده بود (نک. هربرت، ۱۹۷۰: ۲۲). این لایحه در سال ۱۷۶۵ با پیشنهاد دولت بریتانیا برای اخذ مالیات از آمریکایی‌های مستعمره‌نشین تصویب شد؛ طبق این لایحه، تمامی مکتوبات و نشریه‌های چاپی در مستعمرات بایستی روی کاغذهایی صورت می‌گرفت که در لندن تولید شده و دارای تمبر بهادار بودند. مخالفت مستعمره‌نشین‌ها منجر به لغو این مصوبه در سال ۱۷۶۶ شد (نک، ایوستر، ۲۰۰۸: ۲۴). ویتلی که پیش از نوشتن این نامه‌ی منظوم با این عالی‌جناب حضوراً در لندن دیدار کرده بود (نک. هربرت، ۱۹۷۰: ۲۴)، از یک سو از خدمات قبلی وی تشکر می‌کند، و از سوی دیگر امیدوارانه از او می‌خواهد از انجام مجدد این گونه اقدامات دریغ نورزد. ویتلی در این نامه از گذشته‌ی خود نیز برای بازنمایی مفهوم اسارت و ستم در ذهن خواننده بهره می‌گیرد:

To the Right Honourable WILLIAM, Earl of DARTMOUTH.

به عالی‌جناب استان‌دار دارتموث

۱. Stamp Act

۲. Ivester H.

HAIL, happy day, when, smiling like the morn,
Fair Freedom rose New-England to adorn:

خوشا، مبارک باد، آن روز که آزادی با لبخندی به زیبایی سحرگاهان، باشکوه برخاست تا
آمریکا را آراسته و زیبا گرداند: [داده/ادعا]

The northern clime beneath her genial ray,
Dartmouth, congratulates thy blissful sway:

دارتموث، که سرزمین شمالی زیر تابش گرمابخش آن است، به مقام فرمانداری جنابتان
تبریک می‌گوید: [داده]

Elate with hope her race no longer mourns,
Each soul expands, each grateful bosom burns,

قوم و تبار این سرزمین که امیدوار گشته بیش از این شاخص سوگواری نمی‌کنند، هر شاخص
روحی می‌گسترده، هر شاخص سینه‌ی شاکری می‌سوزد، [داده/ادعا]

While in thine hand with pleasure we behold
The silken reins, and Freedom's charms unfold.

درحالی‌که ما با شغف می‌نگریم که با دست تو، افسارهای ابریشمی، و افسون‌های آزادی
باز می‌شوند. [داده/ادعا]

Long lost to realms beneath the northern skies
She shines supreme, while hated faction dies:

چیزی که مدت‌ها در سرزمین‌های زیر آسمان‌های شمالی مفقود بود، اینک عالی می‌-
درخشد، درحالی‌که جناح منفور می‌میرد: [داده]

Soon as appear'd the Goddess long desir'd,
Sick at the view, she languish'd and expir'd;

اکنون که این الهه‌ای که مدت‌هاست طالبش هستیم ظهور کرده، در نظر بیمار و رنجور
است و رنگ‌پریده؛ [داده/ادعا]

Thus from the splendors of the morning light
The owl in sadness seeks the caves of night.

بنابراین از شکوه نور بامدادان، جغد در غم و اندوه می‌جوید غارهای شب را. [داده]

No more, America, in mournful strain
Of wrongs, and grievance unredress'd complain,
No longer shalt thou dread the iron chain,

آمریکا بیش از این شاخص از زورگویی‌های غم‌انگیز، که از کارهای اشتباه با اندوهی جبران-ناشدنی نشأت گرفته، شکوه نمی‌کند. بیش از این شاخص از زنجیر آهنین نباید بترسید [داده/ادعا/برهان]

Which wanton Tyranny with lawless hand
Had made, and with it meant 't' enslave the land.

کدامین سرکشی ظلم و استبداد را با دستان بیگانه با قانونش بنیان گذاشته، و با آن می-خواستند تا این سرزمین را در بند کشد. [داده/برهان]

Should you, my lord, while you peruse my song,
Wonder from whence my love of Freedom sprung,
سرورم، اگر شاخص هنگام خواندن شعر من، از خود پرسیدی که عشق من به آزادی از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ [سؤال متضمن داده]

Whence flow these wishes for the common good,
By feeling hearts alone best understood,
یا خواسته‌هایم برای رفاه مردم از چه جریان می‌پذیرد؟ [سؤال متضمن داده] (بدان) که فقط شاخص با قلب‌های حساس درست فهمیده می‌شود، [ادعا]

I, young in life, by seeming cruel fate
Was snatch'd from Afric's fancy'd happy seat:
من، خردسال، با سرنوشت به ظاهر شاخص ظالم، از دامن خرم و رؤیایی آفریقا ربوده شدم: [داده]

What pangs excruciating must molest,
What sorrows labour in my parent's breast?
چه دردهایی جان‌کاهی که بایستی شاخص تحمل شود، چه شاخص غم‌هایی که بر سینه‌ی پدر و مادرم سنگینی می‌کند؟ [داده]

Steel'd was that soul and by no misery mov'd
That from a father seiz'd his babe below'd:
چون پولاد بود آن روح و بدون هیچ شاخص نگرانی قدم برمی‌داشت. که از پدری فرزند دل‌بندش را ربود: [داده]

Such, such my case. And can I then but pray
Others may never feel tyrannic sway?
چنین، شرح حال من است. ولی آیا کاری می‌توانم کرد جز دعا که دیگران هرگز شاخص حاکمیت استبدادی را حس نکنند؟ [داده/برهان]

For favours past, great Sir, our thanks are due,
And thee we ask thy favours to renew,

عالی جناب، به خاطر الطاف گذشته تان، سپاس گزاریم و از شما می‌خواهیم که الطافتان ادامه

یابد، [داده/ادعا]

Since in thy pow'r, as in thy will before,
To sooth the griefs, which thou did'st once deplore.

زیرا اینک در ید قدرت شماسست، چونان که پیش‌تر خواست شما بود، که اندوه‌هایی را

بزدایید که زمانی آنها را ناروا می‌پنداشتید. [داده/برهان]

May heav'nly grace the sacred sanction give
To all thy works, and thou forever live

امید که عشق آسمانی برکتی مقدس بدهد / به تمام کارهایتان، و شما تا ابد زنده باشید

Not only on the wings of fleeting Fame,
Though praise immortal crowns the patriot's name,

نه فقط شاخص (زنده) بر بال‌های شهرتی گذرا، (بلکه) طوری که سلطنت‌های جاوید نام این

میهن‌دوست را با تحسین ببرند. [ادعا]،

But to conduct to heav'ns refulgent fane,
May fiery coursers sweep th' ethereal plain,

اما برای رسیدن (تان) به معبد درخشان آسمانی، امید که شاخص اسب‌های آتشین دشت اثری

را برویند،

And bear thee upwards to that blest abode,
Where, like the prophet, thou shalt find thy God.

و تو را به سمت بالا برکشند به سوی آن عمارت مبارک، آنجا، که چون پیامبر (مان)، تو

خدایت را حتما شاخص خواهی یافت. [ادعا] (ویتلی، ۱۷۷۳: ۲۶-۲۷)

آزادی چنان اهمیتی برای ویتلی دارد که علاوه بر اظهار شادی برای فراگیرشدنش در مطلع

این شعر آن را مایه آراستگی و زیبایی کشور معرفی می‌کند؛ در ادامه، شاعر چند بیتتی از

خدمات و اقدامات مخاطب نامه قدردانی نموده و مجدداً در بیت ششم آزادی را به الهه‌ای

تعبیر می‌کند که گرچه پس از مدت‌ها انتظار عمومی ظهور کرده است، اما، «به نظر بیمار و

رنجور است و رنگ‌پریده». بنابراین، از عالی جناب فرمان‌دار می‌خواهد که «الطافتان ادامه یابد»

و «اندوه‌هایی را بزدایید که زمانی آنها را ناروا می‌پنداشتید».

از سوی دیگر، ویتلی در کنار تصویر روشن و باشکوهی که از آزادی ترسیم کرده، توصیفی تیره نیز از وضعیت سیاسی-اجتماعی مقابل آن یعنی «استبداد» ارائه می‌دهد؛ او «زورگویی‌های غم‌انگیز»، «زنجیرهای آهنین» به پای بردگان و اسیران، «کارهای اشتباه»، «سنگدلی=روح پولادی» و «بیگانگی با قانون» را هم راه‌گشا و هم محصول حاکمیت استبداد می‌داند.

این زن برای این که نشان دهد به نمایندگی از کسانی سخن می‌گوید که این اوضاع را با تمام وجود خود درک کرده‌اند، لحظه اسفناکی را به تصویر می‌کشد که در خردسالی از موطن «خرم و رؤیایی آفریقا» در منظر پدر و مادرش ربوده شده‌است. این تصویرسازی که همراه با سؤالات خطابی صورت گرفته به نحوی است که خواننده را وادار می‌کند هرچند برای لحظه-ای کوتاه خود را به جای قربانیان این چنین وقایعی قرار دهد. توصیه‌های ویتلی با زبانی عام و ساده در قالب ادعا و برهان در جدول ۴ ثبت شده‌اند:

چند بیت مانده به اتمام این نامه، ویتلی باری دیگر از عالی‌جناب تشکر می‌کند. این شاعر، که طی نامه به برهان‌های عقلی الف) حق و قانون، ب) مقابله با سوء استفاده، ج) رفع فشار و سنگینی، و د) توالی سختی/سستی متوسل شده، در پایان به مواضع ه) استطاعت و و) مسؤولیت روی می‌آورد؛ با این کار، او بسیار هوشمندانه و زیرکانه به مخاطب گوشزد می‌کند که در این مقام هم قدرت انجام تغییرات و اصلاحات را دارد و هم در قبال آن مسؤولیت الهی دارد. در خاتمه، ویتلی که در سراسر نامه با لحنی قاطع و عاری از شاخص‌های دال بر تردید و تشکیک سخن گفته، جهت حسن ختام، برای مخاطب نامه لب به دعا می‌گشاید، به او توصیه می‌کند که شهرت و قدرت موقتی است، ولی نام نیک جاودانه می‌شود.

ج) شعر «خطاب به اعلی حضرت شاه»

«خطاب به اعلی حضرت شاه» نامه منظوم دیگری است که ویتلی در سال ۱۷۶۸ میلادی خطاب به جرج سوم، شاه وقت بریتانیا، سروده و در آن از خداوند خواسته است به شاه و سلطنت وی طول عمر و اقتدار عطا کند. این نامه که علاوه بر دعایی بودن، همزمان دارای مضامین تحسین، قدردانی، و توصیه نیز هست، پس از این نوشته شد که شاه جرج قانون تمبر را - که وصف آن در بالا گذشت - پس از حدود یک سال اجرا در مستعمرات بریتانیا لغو

کرد. این شعر بسیاری از سفیدپوستان مستعمره‌نشین را از این که یک برده‌ی سیاه شعر می‌سرود به شگفتی واداشت:

جدول ۴- دعاوی و برهان‌های مطرح از زبان ویتلی در شعر «خطاب به عالی‌جناب...»

| مؤلفه | شرح و محتوای مؤلفه‌ها به زبان ساده | زمینه‌ی طرح |
|----------|--|--------------|
| دعاوی | ۱. آزادی شهرها و کشورها را به زیبایی می‌آراید. | آزادی |
| | ۲. امید که در سینه جای گیرد، غم و اندوه در آن رنگ می‌بازد. | امیدبخشی |
| | ۳. صاحبان قدرت و مسند اگر اراده کنند، تغییرات اجتماعی سریع‌تر رخ می‌دهد. | قدرت و تغییر |
| | ۴. در اوان اجرای هر نظم و طرحی نو، چالش‌ها و نواقصی وجود دارد. | تغییر و چالش |
| | ۵. زورگویی‌ها، زنجیرهای آهنین، اقدامات نادرست، و بیگانگی با قانون هم راه‌گشا و هم محصول استبداد اند و عاقبت منجر به در بند کشیدن مردم می‌شوند. | وصف استبداد |
| | ۶. عشق به آزادی چون چشمه‌ی جوشانی است که در دل‌های پاک جاری می‌گردد. | آزادی |
| | ۷. شهرت گذرا، لیکن، نام نیک مانا است. | نام نیک |
| | ۸. صاحب‌مسندان برای رسیدن به بهشت باید نیکوکار و خدمت‌گزار مردم باشند. | خدمت مردم |
| برهان‌ها | ۱. موضع عقلی استطاعت: صاحب‌مسندان اختیار و قدرت ایجاد تغییر را دارند. | سیاست |
| | ۲. موضع عقلی حق و قانون: آزادی حق است و قانونی. | سیاست |
| | ۳. موضع عقلی مقابله با سوء استفاده: استبداد با سوء استفاده همراه است و بایستی از آن جلوگیری کرد. | سیاست |
| | ۴. موضع عقلی رفع فشار و سنگینی: ظلم و استبداد با فشار و زورگویی همراه است. | سیاست |
| | ۵. موضع عقلی مسؤلیت و پاسخ‌گویی: صاحب‌مسندان در قبال جایگاه و اختیارات خود مسؤل اند. | سیاست |
| | ۶. توالی سختی/سستی: پس از سیاهی غم، روشنی امید است. کسب مقام و قدرت موقت است نه جاودانه. | جهان‌بینی |

TO THE KING'S MOST EXCELLENT MAJESTY

خطاب به اعلیٰ حضرت شاه

YOUR subjects hope, dread Sire—
The crown upon your brows may flourish long,
And that your arm may in your God be strong!

به مردمان تان امید بخشید، بزرگ شاهنشاهها— [ادعا متضمن برهان] خدا عمر طولانی
دهاد شاخص به آن تاج که بر سر دارید، [داده/ادعا/برهان] و نیز بازوانت به خواست خدایت
شاخص نیرومند باد! [ادعا/برهان]

O may your sceptre num'rous nations sway,
And all with love and readiness obey!

به یاری خدا شاخص که نشان سلطنت تان را ملت‌های بسیاری به اهتزاز درآورند،
[ادعا/برهان] و همه شاخص با عشق و آمادگی [از جنابتان] اطاعت کنند! [ادعا/برهان]

But how shall we the British king reward!
Rule thou in peace, our father, and our lord!

اما چطور می‌بایست شاخص ما پاداش دهیم به شاه بریتانیا؟! [ادعا/برهان] تو ای پدر و ای
سرور ما، در صلح فرمان‌روایی نما! [ادعا/برهان]

Midst the remembrance of thy favours past,
The meanest peasants most admire the last

هنگام یادآوری الطاف گذشته‌ی جناب تان، [داده] بخیل‌ترین دهقانان، آخرین را از همه
بیشتر تحسین می‌کنند. [ادعا] (منظور لغو قانون تمبر است)

May George, beloved by all the nations round,
Live with heav'ns choicest constant blessings crown'd!

به خواست خدا، شاخص جرج، که محبوب همه‌ی ملت‌های اطراف است، [داده] تاج‌دار
زندگی کناد و بهره‌مند از گزیده‌ترین نعمات مستمر آسمانی! [ادعا]

Great God, direct, and guard him from on high,
And from his head let ev'ry evil fly!

ای خدای بزرگ، او را از آن بالا هدایت و محافظت فرما، [ادعا] و شر هر شاخص شیطانی را
از سر او دور نما! [ادعا]

And may each clime with equal gladness see
A monarch's smile can set his subjects free!

و امید شاخص که هر شاخص اقلیمی ببیند با شادی همسان [ادعا/برهان] که مردمان را آزاد می-
تواند کرد لبخند یک سلطان! [ادعا] (ویتلی، ۱۷۷۳: ۶)

در مطلع این نامه منظوم پانزده مصرعی، شاعر از امید و امیدبخشیدن سخن می‌گوید و پس از آن لب به دعا می‌گشاید و از خدا می‌خواهد که همه‌ی ملت‌های پادشاهی بریتانیا با «عشق و آمادگی» از وی اطاعت کنند و تلویحاً به شاه گوشزد می‌کند که سلطنتی که با زور و اجبار و ارباب مردمانش حکومت می‌کند دوام و قوام نخواهد داشت. در مصرع‌های پنج تا نه، وی به اهمیت اقدامات شاه جرج بویژه لغو قانون مالیاتی تمبر در مستعمرات بریتانیا اشاره می‌کند و وانمود می‌کند که رعیت شاه در این در مانده‌اند که چگونه از وی قدردانی کنند! سپس، شاعر بار دیگر لب به دعا برای شاهی می‌گشاید که با این اقدامات «محبوب ملت‌های اطراف» شده است.

پس از این دعا و ثنا برای شخص شاه با اشاره‌های ظریف به ایجاد امید، محبوبیت، و عشق در رعیت، ویتلی دو مصرع پایانی را نیز به دعا ختم می‌کند، اما نه برای شاه بلکه برای تغییر بیشتر در وضع و سامان رعیت شاه؛ گویا، ویتلی در ورای ادای کلمات ساده‌ای با مفاهیم چندگانه نظیر «اقلیم»، «شادی»، «همسان»، «مردمان» و «آزاد» در قالب دعا هدف سیاسی بسیار مهمی را دنبال می‌کند: او در ورای این دعا از شادی همسان یعنی عدالتی همگانی سخن می‌گوید که بنیان آن بر آزادی رعیت است، چه آزادی و استقلال مستعمرات باشد چه آزادی بردگان! و اینهاست که به لبخند سلطان و قوام سلطنت او دوام می‌بخشد.

واتکینز نیز در این زمینه می‌نویسد که ویتلی از چندمعنایی کلمات بهره می‌گیرد تا به طور همزمان بتواند اخطارها و سرزنش‌های خود را ادا کرده و آنها را زیر نقاب پنهان کند؛ به دیگر سخن، ویتلی خوانش‌های متعددی در اختیار خواننده قرار می‌دهد که نیت شاعر از کلام وی را نیز پوشش می‌دهند (واتکینز، ۲۰۱۶، ص ۳۱). واتکینز می‌افزاید ویتلی احتمالاً این تکنیک را به کار می‌بسته‌است چون در جامعه‌ای می‌زیست که منطق لغو برده‌داری هنوز برای عده‌ای قابل تحمل نبود (ص ۳۲). دعاوی و برهان‌های شاعر بر مبنای تحلیل و تعبیر فوق در جدول ۵ ثبت شده‌است:

از بین شش برهانی که در جدول فوق درج گردیده است، سه برهان عقلی (الف) امید، (ب) محبوبیت حاکمان، و (ج) پاداش بدیع بوده و در فهرست‌های پیشینه به چشم نمی‌خورند. تمامی برهان‌های استفاده شده از جانب ویتلی به صورت ضمنی و تلویحی طرح شده‌اند و کلماتی نظیر «اگر» و «زیرا» که بر تصریح برهان و شاخص قطعیت دلالت می‌کنند، به چشم

نمی‌خورند. به دیگر سخن، محافظه‌کاری ویتلی در توصیه به شاه، علاوه بر این که در گزینش کلمات چندمعنا نهفته است، در شاخص‌های قطعیت به کاررفته نیز پیداست. در این شعر، انتخاب لحن دعایی به ویتلی کمک کرده تا توصیه‌هایش را پشت این حجاب و به کمک شاخص‌های تضعیف‌کننده قطعیت از قبیل «به خواست خدا» و «امید که» پنهان کند.

جدول ۵- دعاوی و برهان‌های مطرح از زبان شاعر در «خطاب به اعلی حضرت شاه»

| مؤلفه | شرح و محتوای مؤلفه‌ها به زبان ساده | زمینه طرح |
|----------|--|--|
| دعاوی | <p>۱. فرمانروایان و صاحب‌مسندان باید به مردم تحت امرشان امید بدهند.</p> <p>۲. صلح، امنیت، مال و مقام، و قدرت به خواست خداست.</p> <p>۳. اطاعت با عشق و آمادگی دوام و قوام دارد نه با ترس و زور.</p> <p>۴. نیکی را بایستی پاداش نیک داد.</p> <p>۵. بزرگ‌ترین و محبوب‌ترین کارها، آنهایی است که منفعت آن بیشترین و ضعیف‌ترین افراد را در بر بگیرد.</p> <p>۶. فرمانروایان بایستی عدالت‌گستر و آزادی‌خواه باشند تا رعیت بر آنها شورش نکنند.</p> | <p>امیدبخشی</p> <p>خداشناسی</p> <p>طریق</p> <p>فرمانبرداری</p> <p>اعطای پاداش</p> <p>عدالت‌گستری</p> <p>عدالت‌گستری و</p> <p>آزادی‌خواهی</p> |
| برهان‌ها | <p>۱. برهان عقلی امید: امید زندگی و طول عمر می‌بخشد.</p> <p>۲. برهان عقلی قضا و قدر: هر چه شاه دارد به خواست خداست.</p> <p>۳. برهان عقلی محبوبیت حاکمان: محبوبیت سبب فرمانبرداری می‌شود.</p> <p>۴. برهان عقلی پاداش: پاداش دادن به نیکی سبب تکرار آن می‌شود.</p> <p>۵. برهان عقلی عدالت: آزادی و شادی همسان در هر اقلیم</p> <p>۶. برهان عقلی رفع فشار و سنگینی: در اینجا آزاد کردن مردمان</p> | <p>جهان‌بینی</p> <p>جهان‌بینی</p> <p>عقیدتی</p> <p>سیاست</p> <p>اخلاق اجتماعی</p> <p>حکومت‌داری</p> <p>حکومت‌داری</p> |

(د) شعر «خطاب به دانشگاه کمبریج، در انگلستان»

در شعر برگزیده چهارم، ویتلی در نامه‌ای دیگر دانشجویان کالج هاروارد را مخاطب قرار داده و به آنها متذکر می‌شود که از مذهب عیسی مسیح که مسیر خداشناسی است، دور نشوند.

ویتلی، در اینجا از تصویرسازی مذهبی و استعاره استفاده می‌کند تا به حفظ باورهای مذهبی در میان جریان‌های رو به رشد علوم مختلف کمک کند.

این شعر از سه بخش متفاوت تشکیل می‌شود و پیوند بینامتنی ژرفی بین بخش اول آن و شعر «درباره‌ی آورده شدن از آفریقا به آمریکا» که در بالا بررسی شد وجود دارد. ویتلی، برای ورود به کلام خطابی و توصیه به دین‌داری و پرهیزکاری در بخش‌های دوم و سوم، در بند آغازین، گوشه‌ای از سرنوشت خود را به تصویر می‌کشد و به مسیحی شدن خود می‌بالد:

TO THE UNIVERSITY OF CAMBRIDGE, IN NEW-ENGLAND

خطاب به دانشگاه کمبریج، در انگلستان

WHILE an intrinsic ardor prompts to write,

The muses promise to assist my pen;

درحالی که شور و شوقی درونی خواستار نوشتن است، موزه‌ها (=اله‌ها) عهد می‌بندند^{شاخص}

که قلمم را یاری دهند؛ [داده]

'Twas not long since I left my native shore

The land of errors, and Egyptain gloom:

مدت زیادی نگذشته از آن زمان که من ساحل (سرزمین) مادری‌ام را بدرود گفتم، سرزمین

خطاها، تاریکی مصری: [داده]

Father of mercy, 'twas thy gracious hand

Brought me in safety from those dark abodes.

ای پدر رحمت، دست لطف تو بود که مرا ایمن از آن عمارت‌های تاریک به اینجا آورد.

[ادعا/برهان]

Students, to you 'tis giv'n to scan the height

Above, to traverse the ethereal space,

And mark the systems of revolving worlds.

ای دانشجویان، بر شماست که شاخص بلندی‌ها را کاوش کنید در پهنای آسمان، تا از فضای

اثیری گذر کنید، و سامانه‌های این دنیاها را در حال تغییر را معرفی کنید. [ادعا متضمن برهان]

Still more, ye sons of science ye receive

The blissful news by messengers from heav'n,

بعلاوه، شما ای فرزندان دانش، دریافت کنید خبرهای مبارک آسمانی را از زبان پیامبران،

[ادعا]

How Jesus' blood for your redemption flows.

See him with hands out-stretcht upon the cross

[بنگر که] چگونه شاخص خون عیسی مسیح برای اصلاح شما جاری می‌شود [داده/برهان]
بنگرید او را با دستان گسترده‌ی بسته بر صلیب؛

Immense compassion in his bosom glows;
He hears revilers, nor resents their scorn:

مهری بی‌اندازه در سینه‌اش می‌تابد؛ او سخن توهین‌کنندگان را می‌شنود، ولی از تمسخرشان
اندوهگین نمی‌شود [داده]:

What matchless mercy in the Son of God!
When the whole human race by sin had fall'n,
چه شاخص رحم بی‌ظیری است در [دل] پسر خدا! آن هنگام که تمام شاخص نژاد بشر به خاطر
گناه [به زمین] افتاده‌بودند [داده]

He deign'd to die that they might rise again,
And share with him in the sublimest skies,
Life without death, and glory without end.
او مرگ را پذیرفت تا شاید شاخص (آنها) دوباره برخیزند، و با او در زیباترین آسمان‌ها
شریک شوند زندگی‌ای بدون مرگ، و شکوهی بی‌پایان را. [داده]

Improve your privileges while they stay,
Ye pupils, and each hour redeem, that bears
Or good or bad report of you to heav'n.
بر محسنات و افتخارات خود بیافزایید حال‌که ماندگارند، و هر ساعت خود را از گناه
نجات دهید [ادعا]، ای شاگردان، که فرستاده می‌شود گزارشی خوب یا بد از شما به آسمان
[برهان].

Let sin, that baneful evil to the soul,
By you be shun'd, nor once remit your guard;
Suppress the deadly serpent in its egg.
بگذارید گناه، که شریر مزاحم روح شماست، از شما دفع شود، نه این که ناگاه حصار خود
را [در برابر آن] در هم بشکنید این مار مرگ‌آور را درون تخمش سرکوب کنید. [ادعا/برهان]
Ye blooming plants of human race divine,
An Ethiop tells you 'tis your greatest foe;
شما ای گیاهان شکوفنده‌ی نژاد ملکوتی انسان، یک سیاه حبشی به شما می‌گوید که گناه
بزرگ‌ترین دشمن شماست؛ [داده/ادعا]

Its transient sweetness turns to endless pain,
And in immense perdition sinks the soul

لذتِ موقتِ آن به دردی بی‌پایان بدل می‌شود، و در ظلمتی مطلق روح را غرق می‌کند.
[ادعا/برهان] (ویتلی، ۱۷۷۳: ۶).

در اولین مصرع از بخش دوم، شاعر مفهوم بلندی را در گزاره «بلندی‌ها را کاوش کنید، در پهنه‌آسمان» به خدمت گرفته تا وظیفه مخاطبان یا کشف مجهولاتی را به آنها گوشزد کند که بالاتر از سطح علمی آنهاست. از طرفی، طبق باورهای مذهبی، ممکن است این مفهوم اشاره‌ای باشد به اختلاف بین سطوح بهشت و جهنم؛ به هر حال، تصویری نیز که او از مسیح بر صلیب می‌سازد به مخاطبانش یادآوری می‌کند که صعود به هدف غایی خلقت صرفاً از طریق راهی که او مشخص کرده صورت می‌گیرد. در این زمینه، ویتلی از «به زمین افتادن نژاد بشر به خاطر گناه» سخن می‌گوید که گویا از فرود یا افتادن آدم ابوالبشر از بهشت به زمین نیز حکایت می‌کند؛ افتادنی که برای جبران آن مسیح «مرگ را پذیرفت» تا بلکه بنی‌بشر بیاموزند که چگونه «دوباره برخیزند». ویتلی بدون این که صراحتاً از بهشت و جهنم سخن بگوید از تقابل بین بلندی و پستی، افتادن و برخاستن بهره می‌گیرد تا عاقبت گزینش راه خیر و شر را متذکر شود. در بخش سوم، ویتلی سه توصیه صریح به «شاگردان» می‌کند و از آنها می‌خواهد کلام او را به عنوان یک «سیاه حبشی» جدی بگیرند. در ابتدا، وی از آنها می‌خواهد از فرصتی که به عنوان دانشجوی دانشگاه دارند بهره برده و «بر امتیازات خود بیافزایند». ظاهراً، ویتلی کسب علوم آکادمیک را مانعی بر سر راه مذهب نمی‌داند، بلکه، کاملاً آنها را سودمند می‌داند. دومین کاری که شاعر به مخاطب توصیه می‌کند، «اصلاح گزارش» یا کارنامه‌ی اعمالی است که به بارگاه الهی فرستاده می‌شود. ویتلی از آنها می‌خواهد «هر ساعت» به اعمال خود بیاندیشند. به عنوان توصیه سوم، ویتلی تقاضا می‌کند که تک تک دانشجویان گناه را از خود دفع کنند تا روزی برسد که با اراده همگانی در جامعه «این مار مرگ‌آور درون تخمش» خفه شود. ویتلی برای بیان این تقاضا به زبان استعاری به زیبایی تمام مقدمه‌چینی کرده است: گناه، شیر است و شیر، ماری است در کمین نشسته؛ همان ماری که باید در نطفه خفه شود تا هرگز فرصت وجود نیابد. از طرفی، ویتلی با استفاده از ترکیب استعاری «شما ای گیاهان شکوفنده نژاد بشری» در خطاب به این گروه از دانشجویان، تلویحاً به ویژگی‌های جوانی، سرزندگی، سرسختی، و بی‌گناهی اشاره می‌کند که این افراد را در مقایسه با دیگران برای محقق کردن

فهرست سفارش‌هایش توانمندتر و شایسته‌تر می‌نماید. این دعاوی و برهان‌های صریح یا ضمنی به کاررفته در این شعر در جدول ثبت شده‌اند:

جدول ۶- دعاوی و برهان‌های مطرح از زبان شاعر در «خطاب به دانشگاه کمبریج»

| مؤلفه | شرح و محتوای مؤلفه‌ها به زبان ساده | زمینه طرح |
|----------|--|---------------------------|
| دعاوی | ۱. در ورای مصیبت‌های دامن‌گیر انسان و غم و سختی هجران، حکمت و لطف خداوندی نهفته است. | خداشناسی |
| | ۲. دانشجویان برای یاری به خلق خدا، باید به کشف مجهولات دنیوی و اخروی همت ورزند. | کشف مجهولات پیروی از عالم |
| | ۳. توصیه‌های آسمانی پیامبران راهگشای جویندگان علم و دانش است. | حفظ دین |
| | ۴. خون‌های بسیاری از افراد پاک برای تثبیت و تقویت دین ریخته شده‌است، پس باید چون میراثی گرانبها از آن محافظت کرد. | ثبات قدم ماندگاری نام نیک |
| | ۵. طعن، تمسخر و توهین جاهلان نباید مانع رسیدن به اهداف متعالی انسان گردد. | پیشرفت |
| | ۶. راه علم‌اندوزی را پایانی نیست، و نام دانشمندان ماندگار خواهد شد. | توبه و خوداصلاحی |
| | ۷. در راه کسب علوم، هر کسی در هر ساعت باید نسبت به گذشته‌ی خود پیشرفت بیشتری داشته باشد. | پرهیز از گناه |
| | ۸. مؤمن باید هر لحظه به کارنامه‌ی اعمال خود بیاندیشد و در صورت انحراف از مسیر درست، نسبت به اصلاح و جبران آن اقدام نماید. | پرهیز از گناه |
| | ۹. از گناه دوری کنید که همانند ماری که در کمین نشسته موجب هلاک و بدبختی خواهد شد. | |
| | ۱۰. گناه بزرگ‌ترین دشمن انسان است و قدرت آن در برخورداری از لذت است هرچند موقت. پس این دشمن را هنگامی که قدرتی ندارد یعنی قبل از یافتن حیات و وجود باید نابود کرد. | |
| برهان‌ها | ۱. برهان عقلی پیامد نیکو: برای رسیدن به اهداف باید متحمل سختی- شد | جهان‌بینی عقیدتی |
| | ۲. برهان عقلی تعریف: دانشجو گیاه شکوفنده است؛ گناه شریر مزاحم روح است؛ گناه بزرگترین دشمن است؛ و ... | جهان‌بینی عقیدتی |
| | ۳. برهان عقلی رفع فشار و سنگینی: کشف مجهولات علمی | علم‌آموزی |

| | | | |
|------------------|--|--|--|
| جهان‌بینی عقیدتی | ۴. برهان عقلی فایده و سودمندی: شریک شدن در نعمات آسمانی | | |
| اخلاق علم‌آموزی | ۵. برهان عقلی بازدهی و بهره‌وری: افزودن بر امتیازات و افتخارات | | |
| اخلاق علم‌آموزی | ۶. برهان عقلی آموختن از عالم‌تر: پیروی از توصیه‌های پیامبران | | |
| اخلاق شخصی | ۷. برهان عقلی محاسبه‌ی نفس: خود را هر ساعت از گناه نجات دهید. | | |
| اخلاق شخصی | ۸. برهان عقلی رفع تهدید و خطر: گناه دشمن است. | | |
| اخلاق اجتماعی | ۹. برهان عقلی انسان‌دوستی: گاهی باید توهین و تمسخر جاهلان را نادیده گرفت. | | |
| جهان‌بینی عقیدتی | ۱۰. برهان نقلی/شرعی کارنامه‌ی اعمال: گزارشی از کارهای خوب و بد شما ثبت می‌شود تا در آخرت به پاداش و مجازات متناسب برسید. | | |

در انتهای بخش سوم به عنوان حسن ختام، شاعر، که تا کنون با اعتماد و آفری درباره بهره‌برداری دانشجویان از جوانی و دانش خود سخن گفته، شعر خود را به این پیام ختم می‌کند؛ گرچه در انجام گناه، سرخوشی و «لذت» نهفته است، اما این اثر «موقتی» است و «دردی بی‌پایان» در انتظار کسانی است که با رفاقت با «بزرگ‌ترین دشمن» انسان و غرق کردن روح خود در «ظلمت مطلق» راه رستگاری و آزادی را بر خود می‌بندند.

در این نامه منظوم، اعتماد و اطمینان ویتلی به گفته‌های خویش - برعکس لحن محافظه‌کارانه‌ای که در نامه «خطاب به عالی جناب شاه» به خدمت گرفته بود- در لحن صریح و آمرانه وی در بیان توصیه‌ها و دعاوی اش نهفته است. توصیه‌هایی که شاعر در این نامه به انجام آنها امر کرده، در میانه‌ی یادآوری باورها و یادده‌های مذهبی با لحن خبری قاطع صورت می‌گیرند؛ این تغییر لحن قاطعانه از خبری به امری در سرتاسر این نامه مشهود است و گهگاهی نیز با کمک شاخص‌های تقویت‌کننده مانند «بر شماسست»، «چه» و «تمامی» چاشنی قوی‌تری نیز به آن افزوده شده است.

تنها شاخص تضعیف‌کننده‌ای که در این شعر دیده می‌شود فعل معین «شاید = might» در «شاید دوباره برخیزند» است. البته، درباره کاربرد شاخص «ممکن است» نیز بایستی گفت که گویا ویتلی هنگام سرودن نیز از چنان خودآگاهی شاعرانه‌ای برخوردار بوده که مانع از این می‌شده است که وی برای اموری که اراده دیگر مردمان در انجام آن دخیل است، حکم عمومی و یا قطعی صادر کند.

۵. نتیجه‌گیری

در پاسخ به سؤال اول تحقیق، دعاوی و توصیه‌های ویتلی در اشعار منتخب با زبانی ساده و به دور از تصنع و تکلف ادبی در جدول‌های فوق درج شد که به طور کلی، این دعاوی در زمینه‌های نفی نژادپرستی، خداشناسی، حق‌شناسی و پاداش دادن، امیدبخشی، آزادی، قدرت و تغییر، تغییر و چالش، استبدادستیزی، نام نیک باقی گذاشتن، خدمت مردم، ایمان، عدالت-خواهی، فرمانبرداری، کشف مجهولات، پیروی از عالم، ثبات قدم، حفظ دین، پیشرفت، توبه، و پرهیز از گناه طرح شده‌اند؛ این زمینه‌ها را که نسبت به تعداد قطعات دارای تنوع بسیار زیادی است می‌توان زیر چتر حوزه‌های الف) اخلاق فردی، ب) اخلاق حکومتی-سیاسی، و ج) ایمان و خداشناسی جای داد. از نظر تجویزی بودن اکثر این دعاوی نیز می‌توان ویتلی را در زمره وظیفه‌گرایان قاعده‌نگر دسته‌بندی کرد که گرایشی است از هنجارشناسی اخلاق.

به‌علاوه، در این نمونه اشعار برهان‌های متعددی شناسایی شد که به جز یک مورد که نقلی/شرعی محسوب می‌شود، مابقی از نوع عقلی و غالباً غیرصریح هستند. ضمناً، در میان برهان‌های شناسایی شده، موارد زیر با توجه اشعار ویتلی شناسایی، نام‌گذاری و تعریف شده و به فهرست‌های پیشینه افزوده می‌شوند: ۱) رستگاری، ۲) وراثت، ۳) برهان نقلی/شرعی کارنامه اعمال، ۴) ترس از مجهولات، ۵) امیدواری، ۶) محبوبیت (حاکمان)، ۷) آموختن از عالم‌تر، ۸) محاسبه‌ی نفس، و ۹) پاداش.

در پاسخ به سؤال سوم تحقیق نیز جدول ۷ شاخص‌های قطعیت استفاده‌شده در سبک ویتلی و بسامد آنها را در اشعار منتخب نشان می‌دهد:

جدول ۷- شاخص‌های قطعیت به کاررفته در نمونه‌ای از اشعار ویتلی

| شاخص | بسامد در کل نمونه | شاخص | بسامد در کل نمونه |
|--------------------|-------------------|-----------------|-------------------|
| بیش از این | ۳ | شاید / ممکن است | ۲ |
| سؤال خطابی | ۴ | هیچ | ۱ |
| هر | ۴ | (نه) فقط | ۱ |
| چه / چگونه (تعجبی) | ۲ | هرگز | ۱ |
| همه/تمام | ۲ | اگر | ۲ |
| دعایی | ۳ | به ظاهر | ۱ |
| وجه امری+بایستن | ۶ | عهد بستن | ۱ |

با توجه به این جدول، می‌توان در مجموع اظهار کرد که ویتلی در اشعار منتخب، لحن قاطع، باطمینان و باثباتی دارد. این شاعر بسیار به ندرت - حدود سه درصد در نمونه- از شاخص‌های تضعیف‌کننده قطعیت در قالب کلماتی مانند «شاید، ممکن است، و گویا» استفاده کرده است؛ هرچند، هنگامی که به مقامات بلندپایه توصیه می‌کرده، لحن دعایی پیش گرفته تا قاطعیت را تعدیل و یا تضعیف کند. البته، وی در کاربرد شاخص‌های تقویت‌کننده قطعیت نیز تنوع چندانی به خرج نداده و بیان داده‌ها و دعاوی در قالب «سؤال خطابی»، «تعجب و مبالغه»، «امری صریح» فراوان در سبک و لحن او به چشم می‌خورند. غیر از این موارد، ویتلی غالباً ترجیح می‌داده از ساختار قاطع خبری استفاده کند که ذاتاً نیازی به تقویت‌کننده ندارد.

زمانی که کاربرد استدلال‌ورزی می‌تواند در حوزه‌هایی همچون حقوق به‌عنوان دفاع از یک متهم یا محکوم کردن وی در دادگاه، سنجش اعتبار برای شواهد و مدارک و نیز بررسی توجیه‌های فراعقلانی فعالان اجتماعی، مدیریتی و سازمانی در مورد اتخاذ تصمیمات مبتنی بر منطق، کاربرد داشته باشد، بدون شک قادر خواهد بود در نظریات عقلانی و منطقی که از سوی نظریه‌پردازان حوزه ادبی و شاعران مطرح می‌گردد، نیز مؤثر واقع شود. به‌ویژه در حوزه اخلاقیات و اجتماعیات که شاعر سعی در توجیه خواننده به رعایت موازین اخلاقی و آداب اجتماعی دارد.

منابع

- ۱- اسکویی، نرگس. (۱۳۹۴). "تأثیر فرهنگ عامه بر شعر رسمی"، *فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ش ۳۹. صص ۱-۲۲.
- ۲- روزبهنی، سعید. سبزواری، ویدا، امیراحمدی، ابوالقاسم، و محمد داودی (زیرچاپ)، "بررسی شیوه استدلال‌ورزی در مناظرات پروین اعتصامی بر اساس نظریه تولمین"، *مجله پژوهش‌های ادبی شیراز*.
- ۳- عالمی، روح الله (۱۳۸۹). *منطق*. چاپ دوم. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی.

- ۴- عبدالمهی، منیژه. عمل صالح، احیا (۱۳۹۱). "بررسی ساختار استدلال در سه متن دوره قاجار". *مجله بوستان ادب دانشگاه شیراز*. س ۴. ش ۲. صص ۱۷۴-۱۵۱.
- ۵- کانوی، د.، مانسون، ر. (۱۳۹۱). *میانی استدلال*، ترجمه‌ی تورج قانونی، نشر ققنوس.
- ۶- مزینانی، ابوالفضل. (۱۳۹۶). *گفتمان‌کاوی موضوعی مدلی بر مبنای تاریخی گفتمانی و روش تفسیر قرآن کریم*. رساله دکتری منتشر نشده، دانشگاه فردوسی مشهد
- ۷- مزینانی، ابوالفضل. نصیری، سحر. (۱۳۹۷). "طرح روش تحقیق جهت کاربست نظریه استدلال تولمین در سبک‌شناسی، تحلیل گفتمان، و زبان‌شناسی حقوقی". *دوماه‌نامه جستارهای زبانی*. انتشار آنلاین به آدرس: <http://lrr.modares.ac.ir/>
- ۸- Gates, H. L. (۲۰۱۰), *Trials of Phillis Wheatley: America's Second Black Poet and Her Encounters with the Founding Fathers*, Basic Civitas Books.
- ۹- Kennedy, G. A. (۱۹۶۳), *Greek Rhetoric under Christian Emperors*, New Jersey: Princeton.
- ۱۰- Mani, Manimangai. (۲۰۱۵). "Racial Awareness in Phillis Wheatley's Selected Poems". *International Letters of Social and Humanistic Sciences*. Vol. ۵۶, pp ۷۴-۷۹.
- ۱۱- Meehan, A., Bell, J. L. (۲۰۱۷). "Phillis Wheatley: George Washington's Mount Vernon". Mount Vernon.
- ۱۲- Reisigl, M., Wodak, R. (۲۰۰۹). The discourse-historical approach. In R. Wodak & M. Meyer (Eds.), *Methods of critical discourse analysis* (۲nd ed., pp. ۸۷-۱۲۱). London, UK: Sage.
- ۱۳- Herbert, R. G. (۱۹۷۰). *Life and Works of Phillis Wheatley*. The Black Heritage Library Collection. Plainview, N.Y.: Books for Libraries Press.
- ۱۴- Richards. J. (۲۰۰۸), *Rhetoric*, London and New York: Routledge.
- ۱۵- Shields, J. C. (۱۹۸۰). "Phillis Wheatley's Use of Classicism", *American Literature*. ۵۲(۱). pp ۹۷-۱۱۱.
- ۱۶- Ivester, H. (۲۰۰۹). "The Stamp Act of ۱۷۶۵ – A Serendipitous Find", *The Revenue Society*, Vol. XX, No. ۳, pp. ۸۷-۸۹.
- ۱۷- Watkins, J. D. (۲۰۱۶). *Literary Subversions: The Enlightenment Subject in Wheatley and Melville*. MA Thesis. San Francisco State University.
- ۱۸- Wodak, R. (۲۰۰۱). The Discourse-historical Approach. In R. Wodak. & M. Meyer (Eds.), *Methods of Critical Discourse Analysis* (pp. ۶۳-۹۴). London: Sage

- ۱۹- Toulmin, S. E. (۱۹۷۲). *Human Understanding: The Collective Use and Evolution of Concepts*. Princeton University Press.
- ۲۰- Toulmin, S. E. (۱۹۸۵ [۲۰۰۳]). *The Uses of Argument*. Cambridge University Press.
- ۲۱- Wheatley, P. (۱۷۷۳). *Poems On Various Subjects, Religious And Moral*. Denver, Colorado: W.H. Lawrence.
- ۲۲- Carretta, V. (۲۰۱۱). *Phillis Wheatley: Biography of A Genius in Bondage*. Athens: University of Georgia Press.



The Analysis of Some Selected Ethical-Political poems of Phillis Wheatley Based on Toulmin's Theory of Argumentation

Vida Sabzevari beydokhoti

PhD Student of Persian Language and Literature, Islamic Azad University of Sabzevar, Sabzevar, Iran

Dr. Saeed Roozbehani

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University of Sabzevar, Sabzevar, Iran

Dr. Abolghasem AmirAhmadi

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University of Sabzevar, Sabzevar, Iran

Received: ۱۱/۰۲/۲۰۲۱

Accepted: ۲۸/۰۷/۲۰۲۱

Abstract

Argument includes a lawful combination of evident propositions in order to arrive at the new propositions on purpose of setting a mind link until reaching a conclusion for an ambiguous proportion to turn into a certain one which is made of several assumptions and one conclusion. In argumentation, the assumptions or induction are used as evident, factual statements to identify new statements. In fields of morality and religion, in particular, this process is likely to affect the addressee's thoughts, beliefs, and sophistication so strongly that the person inevitably takes a step toward improving and / or refraining from them. Aristotle was among those who has stated predicable logics and evidences for addressee's satisfaction into two groups including " inartistic evidence" and " artistic evidence" . To make artistic logics – as the central nucleus in art of oration - more satisfactory, he recommends doing three following things: validating the addressee's' impression of orator's personality and importance or requesting it, producing excitement or appealing to addressees' feelings, and ethical satisfaction. Stephen E. Toulmin, the well - known philosopher of ۲۰th century who established the theory of argumentation, has broken the available arguments down into six component parts: claim, ground, warrant, backing, rebuttal, and speech certainty standards. Such theory of satisfaction can be seen in poems of Persian and non – Persian poets, of whom Phillis Wheatley (۱۷۷۴) – the first African – American female poet - can be named . The present study has been conducted on the basis of Toulmin's theory of argumentation in order to analyse and have an argumentative and thematic look into a number of ethical – political verses selected from Wheatley's poems.

Keywords: Argumentation Theory, Wheatley , Toulmin , warrant



شهرتگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی